



تاریخ اسلام

به مناسبت سالروز رحلت حضرت ام‌البینین (س)

سوگواره‌ای برای اسوه مادران شهدا



گروه‌اندیشه- سیزدهم جمادی الثانی، یادآور روزی غم‌انگیز است؛ روزی که در آن مادری فداکار و بانویی باعظمت، به سوی معبود پر کشید. ام‌البینین (س)، همسر بزرگوار امام علی(ع)، بعد از عمری شکیبایی و استقامت، با نثار چهار فرزند رشید خود به پیشگاه مولایش، سیدالشهدا(ع)، با دلی مالا مال از محبت و عشق، راهی دیار باقی شد و بر بقیع، آرامگاه خویان، مقیم شد. نام آن بزرگوار که وی را اسوه و نماد مادران شهدا می‌دانند، فاطمه و کنه‌اش ام‌البین (مادر پسران) است؛ پدرش حزام نام داشت و مادرش ثمامه یا لیلیا. همسر او، امیرمؤمنان (ع) و چهار فرزندش، عباس، عبدا...، جعفر و عثمان، علیهم‌السلام، همگی در واقعه‌جانگداز کربلا به شهادت رسیدند. به گواهی تاریخ، خاندان ام‌البینین (س) واجداداو، جلگی از دلیران و سلحشوران عرب بوده‌اند. عقیل بن ابی‌طالب، برادر امیرمؤمنان (ع) ضمن معرفی ام‌البینین (س) به آن حضرت گفته بود: «در میان عرب از پدرانش شجاع‌تر و قهرمان‌تر یافت نمی‌شود.» ام‌البینین (س)، بعد از ادواج با امیرمؤمنان (ع) نشان داد که صاحب فضایل بسیاری است و امام(ع)، به همین دلیل، در اکرام و حفظ حرمت او، از هیچ کاری دریغ نمی‌فرمود. ام‌البینین (س) از همان روز نخست، به مقام فرزندان حضرت زهرا(ا،س)، عرض اادت و احترام کرد و بعدها هم که خداوند به او فرزندی عنایت فرمود، همواره نور دیده‌های فاطمه(س) را بر فرزندان خودش، مقدم می‌داشت و به اطفالش احترام گذاشتن و گرامی داشتن برادران و خواهران بزرگ‌تر را از خوبی‌آموزش داد. ام‌البینین (س)، هنگام بیماری حسنین (ع) برای آن‌ها پرستاری دلسوز و مهربان بود؛ او افزون بر مهر و عطوفت مادرانه، این عمل را وظیفهٔ شرعی خود و عمل به دستور خداوند می‌دانست. در تاریخ آورده‌اند که چون بشیر، خبر شهادت‌شهادی کربلارا به‌مدینه آورد، بنی‌سازان همه از روی پرورشدن با ام‌البینین(س) واهمه داشت؛ اما در برابر بهت بشیر و دیگران، آن بانوی مقاوم و صبور، یاد فرزندان را کنار گذاشت و همان ابتدا از حال سیدالشهدا(ع) پرسید و چون دریافت که آن حضرت شهید شده‌است، گریه و مریه‌خوانی بر فرزنداناش و به‌ویژه پسر برومندش عباس(ع) را آغاز کرد: «ای کسی که فرزند رشیدم عباس را دیدی که همانند پدرش بر دشمنان تاخت، فرزندان علی همه شیران بیشه شجاعت‌اند. شنیده‌ام بر سر عباس عمود آهنین زدند، در حالی که دست‌هایش را قطع کرده‌بودند؛ اگر دست در بدن پسرمد بود، چه کسی می‌توانست نزد او آید و با او بجنگد؟» در تاریخ آمده‌است که حضرت زینب(س)، پس از ورود به مدینه، ابتدا به خانه ام‌البینین (س) وارد شد و به او شهادت‌پسرانش را تسلیت گفت، عمر بانوی مقاومت و ایثار، پس از شهادت فرزنداناش، زیاد دوام نیافت. او در ۱۳ جمادی‌الثانی سال ۶۴ق و ظاهراً حدود یک‌سال بعد از رحلت حضرت زینب(س)، به دیدار معبود شتافت.



به مناسبت سالروز رحلت حضرت ام‌البینین (س)

سوگواره‌ای برای اسوه مادران شهدا



جوادنوائیان‌رودسری- پهلوی هاتنهاودمانی در تاریخ ایران هستند که مرگ به سراغ هیچ کدام از آن‌ها در ایران نیامد؛ رضاشاه پس از فرار از تهران وتبعید به موریس وژوهانسبورگ در چهارم مرداد ۱۳۲۳ و در غربت فوت کرد و پیکرش را سال‌ها در مصر به امانت گذاشتند، چون به دلیل شرایط کشور و تازه بودن داغ‌هایی که بر دل مردم گذاشته بود، نمی‌توانستند او را به ایران منتقل کنند. فرجام محمدرضا پهلوی هم، بهتر از پدرش نبود. او هم بعد از فرار در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۵۷، یعنی ۴۳ سال پیش در چنین‌روزی، مدت‌ها آواره این کشور و آن کشور بودو در نهایت، روز پنجم مرداد سال ۱۳۵۹، در سرتیک‌روز بعد از سی‌وششمین سالگرد فوت پدرش، تسلیم مرگ شد؛ آن‌هم در کشور مصر. این که چرا پدر و پسر، نتوانستند در زادگاه خودشان بمیرند، یکی از آن عبرت‌های بزرگ تاریخ است. دودمان پهلوی طی ۵۳ سال حکومت، هرگز نتوانست موقعیت خود را در کشور تثبیت کند؛ عوامل متعددی باعث این مسئله بود؛ آن‌ها از همان ابتدا، برای تحکیم پایه‌های قدرتشان به خارجی‌ها نیاز داشتند. ابتدا بریتانیا و بعد ایالات متحده، به عنوان حامی تاج و تخت به دادر ضاشاه و محمدرضا رسیدند؛ به دیگر سخن، چیزی که پدر و پسر را بر سر قدرت نگه می‌داشت، همین وابستگی‌ها بود. به همین دلیل، وقتی بن بست جدی در روند حاکمیت‌شان روبه‌رو می‌شدند، ترجیح می‌دادند که از مملکه بگریزند، چون در ایران جایی برای تکیه کردن و حمایت گرفتن برای پهلوی‌ها وجود نداشت. نشانه بارز این رویکرد را می‌توان در سه‌باره تاریخی و در سه فرار شهسواران‌ها مشاهده کرد؛ شهرپور ۱۳۲۰، مرداد ۱۳۳۲ و دی ۱۳۵۷؛ در دوره حاکمیت رژیم پهلوی، سران آن به‌طور متوسط هر ۱۷ سال یک‌بار، از کشور فرار می‌کردند!

رضاشاه؛ پایانی که از آغاز معلوم‌بود!

رضاخان، پیش از تبدیل شدن به رضاشاه، ارتباطات گسترده‌ومؤثری با انگلیسی‌ها داشت. او بعدها هم، با وجود همه غرور و نخوت قزاقی، منکر این ارتباط نبود. یحیی دولت‌آبادی در کتاب «حیات یحیی» به این مسئله اشاره می‌کند که رضاشاه، چندبار در جلسات خصوصی با مشاورانش، به این که انگلیسی‌ها او را به قدرت رسانده‌اند، اشاره کرده‌است، اما مدعی بوده که بعد از به قدرت رسیدن، آن‌ها را دور زد؛ این ادعا البته با شواهد تاریخی موجود، چندان جور در نمی‌آید. مثلاً، در اردیبهشت سال ۱۳۰۸، در حالی که هنوز چهار سال از آغاز سلطنت رضاشاه نگذشته بود، او قیام‌بزرگ کارگران صنعت نفت جنوب را علیه استعمار انگلیس، به شدت‌ترین شکل ممکن سرکوب کرد. هر چند پهلوی اول،

شاه و فرح چه اموالی را از ایران خارج کردند؟

حمل خیانت با ۳۸۴ چمدان!

برخلاف آنچه امروز توسط برخی وابستگان به رژیم شاه، در برخی رسانه‌های معلوم‌الحال آن‌روایی و به منظور تطهیر چهره این رژیم، مطرح می‌شود، ثروت‌های خارج‌شده از کشور، توسط پهلوی‌ها، بسیار بیشتر از آن چیزی است که ادعا می‌کنند. به گزارش پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فرح



در سال ۱۳۱۱ خورشیدی، با ژست‌های خاص خودش، پرورنده قرار داد اراسی را به آتش انداخت، اما کمی بعد، با قرار داد ۱۹۳۳، نفت ایران را تا سال ۱۳۷۲ خورشیدی، با شرایطی به مراتب بدتر از قرار داد اراسی، به انگلیسی‌ها واگذار کرد. رضاشاه به خواست انگلیسی‌ها به پیمان سعدآباد پیوست تا در مقابل شوروی کمربند ضد کمونیستی ساخته شود. رضاشاه در بسیاری از اقدامات امنیتی داخلی و خارجی خود، مانند سرکوب شورش دوست‌محمد خان بلوچ یا کشف روابط تیمورتاش، وزیر دربار مقتدرش با روس‌ها، کاملاً تحت اشراف اطلاعاتی بریتانیا فعالیت می‌کرد. شاید اشتباه غیر قابل بخشش او نزد انگلیسی‌ها، همان تمایل پیدا کردن به آلمانی‌ها و به قدرت رساندن سیاستمداران‌ی مانند احمد متین‌دفتری در آبان سال ۱۳۱۸ بود؛ آن‌هم در شرایطی که به قول حسین فردوست، تمام افرادی که در کاخ و دربار رفت و آمد می‌کردند، به نوعی جاسوس انگلیسی‌ها بودند. رضاشاه ظرف شش ماه به

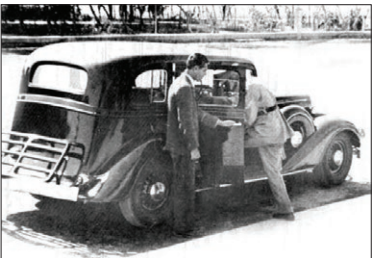
استبایش پی‌برد و برای جلب رضایت انگلیسی‌ها، علی‌منصور را نخست‌وزیر کرد؛ شاید اگر شرایط جنگ جهانی دوم نبود، انگلیسی‌ها باز هم او را سر کار نگه می‌داشتند، اما منافع آن‌ها بر این قرار داشت که ایران اشغال شود. به همین دلیل، در شهریور ۱۳۲۰ نیروهای متفقین از شمال، غرب و جنوب را دایران شدند و رضاشاه که طی این مدت، هیچ‌پشتوانه مردمی محکمی برای خودش ایجاد نکرده‌بود، ناچار فرار ابر قرار تر جیح داد و از تهران گریخت تا به دست روس‌ها نیفتد و بعد، به تبعید توسط انگلیس تن در دهد. هر چند مسئله اعتماد به انگلیسی‌ها، نقش مهمی در این فرجام‌داشت، اما همان‌طور که گفتیم، فقدان پشتوانه مردمی و روی رضاشاه از مردم هم، تأثیر مهمی در این‌روند داشت؛ او، بهر غیر، رفتارهای فریبنده‌اش در ابتدای کار، دین‌ستیزی را در قالب رفتاری خودش، یعنی

دین‌ستیزی و سر سپردگی به آمریکا و انگلیس چه بر سر شاه و پدرش آورد؟

خاندان پهلوی؛ رکورددار فرارهای خفت‌بار

فرارهای محمدرضا پهلوی در ۲۶ دی ۱۳۵۷ و ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ و نیز، فرار رضاشاه در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰

شور و شعف همه‌اقدشار مردم را در سراسر ایران در پی داشت



چهار روز بعد از کودتای ۲۸ مرداد، در اول شهریور ۱۳۳۲ به ایران بازگردد. ماجرای شکست او لیه سپس موفقیت در انجام کودتا، انکا به پشتیبانی آمریکایی‌ها را به عنوان یک اصل خلل ناپذیر مورد ضرب و جرح شدید و توهین قرار گرفتند. به همین دلیل، فرار او، چنان که قابل‌پیش‌بینی بود، با استقبال و شادی زاید‌الوصف عمومی همراه شد. این اقدام عمومی، با وجود اشغال کشور توسط بیگانگان، خبر از شکاف عمیقی می‌داد که میان پهلوی اول و مردم وجود داشت.

■ **محمدرضا پهلوی، عبور از مسیر طی شده!**

دلایلی که باعث شد محمدرضا پهلوی هم در نهایت به فرار و بیابان‌دواز کشور بگریزد، شباهت عجیبی به شواهد تاریخی مربوط به فرار و تبعید رضاشاه دارد. محمدرضا در جریان وقایع پس از شهریور ۱۳۲۰، حتی گمان نمی‌کرد بتواند در قدرت باقی بماند. البته او زیاد هم بیراه فکر نمی‌کرد؛ اگر حمایت انگلیسی‌ها و تلاش‌های ریدر بولارد، سفیر بریتانیا در تهران نبود، احتمالاً محمدرضا نیز باید چند هفته بعد از پدرش، بار سفر می‌بست و به همان جایی می‌رفت که رضاشاه رفته‌بود. پایه‌های لرزان رژیم او در نخستین سال‌های سلطنت، آشکارا به حمایت انگلیسی‌ها نیاز داشت و حتی طی یک دهه بعد نیز، در کنش و قوس‌های او با دو لتمر دانی که در برخی مواقع ساز متفاوت با دربار می‌زدند، این حمایت جلوه آشکاری پیدا می‌کرد. شرایط محمدرضا پهلوی نسبت به پدرش، وخیم‌تر بود؛ شاه خیلی سریع‌تر از پدرش، دست به فرار می‌زد و اگر پهلوی اول، از سوم تا ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ صبر کرد و بعد از معرکه گریخت، محمدرضا دقیقاً بعد از شنیدن خبر شکست کودتا در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، در، هوپیمایش نشست و از ایران فرار کرد. با این حال، او توانست با حمایت آمریکا و انگلیس و البته نتایج حاصل از رفتارهای نه‌چندان منطقی دکتر مصدق،

امامی، فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست، شخص علیحضرت به خراج ۳۱ میلیارد دلار از کشور متهم شده بود. « طبق گزارش‌های موجود، رئیس کل تشریفات دربار آغاز عملیات خروج شاه و همراهان را در ۲۴ دی‌ماه ۵۷ اعلام کرد. او دستور داد بر چسب‌های شناسایی چمدان‌ها، بسته‌ها و صندوق‌های شاه که منقش به آرم در بار بود به درون کاخ نیاوران آورده شود تا تشریفات لازم‌و آخرین شناسایی در باره آن‌ها

آگهی مناقصه عمومی شهرداری کاخک
مناقصه حفظ و نگهداری فضای سبز و انجام امور خدمات شهری (رفت و روب، نظافت معابر ، جمع آوری زباله و...) شهر کاخک
*مراجعه به سامانه ستاد به شماره مناقصه: ۳۰۰۰۵۰۱۹۳۰۰۰۰۸
تلفن تماس ۰۵۷۳۷۲۶۲۴-۰۵۱ -داخلی ۱۵
علی افتخاری نسب: شهردار کاخک، ۱۳۰۷۲۷۱-۰۱۲/ش/

صورت بگیرد. دستور پر کردن و بستن چمدان‌ها و صندوق‌ها در روز ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ با تأیید شاه و به دستور فرح صادر شد. فرح دستور داد ۳۸۴ عدد چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح جمع‌آوری و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گران‌بها، ساعت‌های تمام طلا، تاج و تیج‌تاج‌های تمام‌زرد را بر عهده داشتند. این گنجینه از جواهرات و عتیقه‌جات در مکان‌های امن کاخ‌نیاوران نگهداری می‌شد. فرح بر همه بسته‌بندی‌ها نظارت کامل داشت. بسته‌بندی و جمع‌آوری دلارهای آمریکایی که از ماه‌ها قبل نقداً جمع شده بود، توسط بخش مالی دربار انجام شد. تاج شاه با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زرد، ۳۶۸ حبه مروارید و با وزن ۸۰ کیلو و ۸۰ گرم از نظر قیمت غیر قابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد معتنا بهی از جواهرات دیگر به عنوان مزایده نسبت به ارسال پیشنهاد قیمت از طریق سامانه مذکور اقدام نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۳۲۴- ۳۲۴-۵۸ تماس حاصل فرمایند.

ردیف	پلاک فرعی	پلاک اصلی	نوع ملک	کاربری	مساحت (مترمربع)	قیمت پایه مزایده (ریال)	آدرس
۱	۱۲۹۶	۱۲۹۱	زمین - ساختمان	تجاری - مسکونی	۱۱/۱۱/۱۸۴۱	۷۳/۳۰۶/۷۰/۰۰۰	شهرستان استرآباد - شهر منلی آباد - ساختمان قدیمی بشاداری

مبلغ تضمین شرکت در مزایده ملک: ۳/۶۶۵/۳۰۰/۰۰۰ ریال

زمان بازدید: از روز شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ به مدت یک هفته تا جمعه ۱۴۰۰/۱۱/۰۱ ساعت ۱۴

استانداری استان خراسان شمالی